

مؤلفه‌های افزایش قدرت نرم و عمق راهبردی ایران در سوریه و عراق

پس از ظهور داعش

سجاد نجفی^۱

علی‌رضا خسروی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۱۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۹/۰۳

فصلنامه آفاق امنیت / سال دوازدهم / شماره چهل و سوم - تابستان ۱۳۹۸

چکیده

قدرت و نفوذ جمهوری اسلامی ایران از زمان وقوع انقلاب اسلامی به‌واسطه هم‌تکمیلی عوامل داخلی و خارجی به میزان قابل‌ملاحظه‌ای افزایش یافته است. تقویت انسجام و خودآگاهی هویتی، احیاگرایی و بیداری اسلامی، طرح و بسط گفتمان مقاومت و مقابله‌گرایی با نظام سلطه و الگودهی به جریان‌های متعدد اسلامی را می‌توان در زمره جلوه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه‌ای دانست. سوریه و عراق را می‌توان از جمله عرصه‌هایی دانست که جلوه‌های قدرت نرم و عمق راهبردی نرم ایران در آنها از برجستگی خاصی برخوردار بوده است. قدرت و نفوذ ایران نه‌تنها در دوران قبل از ظهور داعش در این دو کشور محسوس بوده، بلکه روند صعودی افزایش جایگاه نفوذ و قدرت ایران را می‌توان به‌خوبی در دوران پس از ظهور داعش نیز مورد ملاحظه قرار داد. در این ارتباط، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که افزایش قدرت نرم و عمق راهبردی ایران در سوریه و عراق پس از ظهور داعش در پرتو چه مؤلفه‌هایی قابل تبیین است؟ یافته‌های مقاله حاکی از آن است که افزایش قدرت نرم و عمق راهبردی نرم جمهوری اسلامی ایران در سوریه و عراق پس از ظهور داعش را می‌توان در پرتو مؤلفه‌هایی چون: تحکیم و بازتولید فرهنگ مقاومت، الهام‌بخشی و افزایش نقش ایران در عرصه سیاست و حکومت عراق و سوریه، تقویت تبادلات فرهنگی و اقتصادی و ائتلاف‌سازی با قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای و تقویت جبهه مقابله با نظام سلطه مورد ملاحظه قرار داد. مقاله حاضر، توصیفی - تحلیلی بوده و اطلاعات موردنیاز هم به روش کتابخانه‌ای گردآوری می‌شود.

واژگان کلیدی

ایران؛ قدرت نرم؛ داعش؛ عمق راهبردی؛ عراق؛ سوریه

sa.najafi23@yahoo.com

ali.khosravi@ut.ac.ir

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران

۲. استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران

مقدمه

از زمان وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹م)، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به لحاظ منابع، ابزارها، شاخص‌ها و کارکردها تغییرات محسوسی را تجربه نموده است. چنین روندی متعاقب وقایع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و حمله آمریکا به عراق و افغانستان وارد فاز تازه‌ای شد. تهاجم آمریکا به افغانستان و متعاقب آن عزل طالبان و سقوط رژیم بعثی در عراق، اساساً دورنمای امنیتی را متحول کرد. از هم‌پاشیدگی دولت عراق در کنار قابلیت‌های نظامی و سیاسی فزاینده ایران محیطی را ایجاد کرد که در آن، دست برتر تهران غیرقابل‌انکار به نظر می‌رسید (Hadian, 2015: 1). براین‌مبنای، جلوه‌هایی از یک قدرت منطقه‌ای جدید برملا شد که نشانه‌های تأثیرگذاری و افزایش قدرت و نفوذ آن به‌طور فزاینده‌ای تحولات و پویایی‌های منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار داده است. بازتاب افزایش قدرت منطقه‌ای ایران را می‌توان در افزایش کنش‌گری منطقه‌ای در قالب ایجاد ائتلاف‌ها با دولت‌ها و گروه‌های همسو مانند سوریه، عراق، حزب‌الله لبنان، جنبش انصارالله یمن و حمایت همه‌جانبه نظامی، مالی و ایدئولوژیکی از آنها و در نتیجه افزایش ضریب نفوذ منطقه‌ای آن مورد ملاحظه قرار داد.

نشانه‌های تأثیرگذاری و الهام‌بخشی ایران در جریان تحولات بیداری اسلامی که از اواخر سال ۲۰۱۰ حوزه ژئوپلیتیکی غرب آسیا و شمال آفریقا را در معرض تغییرات عمده قرار داد، نیز از برجستگی خاصی برخوردار بوده است. در این میان، ظهور و گسترش داعش به‌عنوان یک گروه ضدسیستمی تهاجمی در کنار تأثیرگذاری بر معادلات امنیتی منطقه‌ای و جهانی، روندی هدف‌مند به‌منظور هدف قراردادن عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران در عراق و سوریه از طریق بهره‌گیری از نارضایتی‌های قومی موجود در این دو کشور محسوب می‌شود. داعش با ایجاد خلافت خودخوانده، عمق راهبردی و در مواردی نیز تمامیت ارضی ایران را به‌طور مستقیم تحت تأثیر کنش‌ها و اقدامات ضدسیستمی خود قرار داد. در چنین شرایطی، جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از راهبرد دفاع فعال و تقویت اتحاد و ائتلاف با بازیگران مقاومت و کنش‌گران عمده منطقه‌ای و بین‌المللی، سیاست هوشمندانه‌ای را در این خصوص اتخاذ نمود. تحت تأثیر رهیافت یادشده، نشانه‌ها و شاخص‌های الگوی بومی قدرت نرم ایران در دوران بعد از ظهور داعش و پساداعش نیز بازتولید شده است.

در رابطه با قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و نقش قدرت نرم انقلاب اسلامی در گسترش بیداری اسلامی غرب آسیا پژوهش‌های متعددی انجام گرفته است (به‌عنوان نمونه، نک به: پوراحمدی، ۱۳۸۹؛ متقی و رشاد، ۱۳۹۰). با این‌حال، مؤلفه‌های افزایش



قدرت نرم و عمق راهبردی ایران در سوریه و عراق پس از ظهور داعش تاکنون موضوع پژوهش مستقلی قرار نگرفته است. در این راستا، پژوهش حاضر درصدد است تا با استناد به گزاره‌های نظری قدرت نرم و عمق راهبردی نرم، مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در بستر زمانی و مکانی فوق را مورد بررسی قرار دهد. بر این مبنا، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که افزایش قدرت نرم و عمق راهبردی ایران در سوریه و عراق پس از ظهور داعش در پرتو چه مؤلفه‌هایی قابل تبیین است؟ برای پاسخ به پرسش اصلی و دستیابی به اهداف پژوهش، با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی این فرضیه به آزمون گذاشته می‌شود که: «افزایش قدرت نرم و عمق راهبردی نرم جمهوری اسلامی ایران در سوریه و عراق پس از ظهور داعش را می‌توان در پرتو مؤلفه‌هایی چون تحکیم و بازتولید فرهنگ مقاومت، الهام‌بخشی و افزایش نقش ایران در سیاست و حکومت عراق و سوریه، تقویت تبادلات فرهنگی و اقتصادی ایران با این دو کشور و ائتلاف‌سازی با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و تقویت جبهه مقابله با نظام سلطه مورد ملاحظه قرار داد». در این راستا، نخست مبانی نظری پژوهش ارائه می‌شود و سپس قدرت نرم و عمق نفوذ راهبردی ایران در پهنه منطقه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه، با بهره‌گیری از شاخص‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران تلاش می‌شود تا مؤلفه‌های قدرت نرم ایران در عراق و سوریه پس از ظهور داعش استنتاج گردد. در نهایت، پژوهش حاضر با جمع‌بندی مطالب، خاتمه می‌یابد.

مبانی نظری

قدرت نرم و عمق راهبردی نرم

قدرت نرم^۱ موضوعی تازه در علم سیاست به‌ویژه در حوزه منازعات بشری نیست و ایده جذابیت به‌مثابه قدرت، قرن‌ها پیش از تبیین نظری آن وجود داشته است (جمشیدی و محمدی، ۱۳۹۳: ۶۳). به لحاظ تاریخی، سان تزو^۲ را اولین نظریه‌پرداز قدرت نرم دانسته‌اند. وی که آراء و اندیشه‌های خود را ۴۰۰ سال پیش از میلاد ارائه کرد، بر این اعتقاد بود که پیروزی نهایی در جنگ، القای تسلیم به دشمن است بدون آنکه حتی ضربه‌ای به دشمن وارد شود. اما این اصطلاح برای اولین بار توسط جوزف نای^۳ به ادبیات مفهومی روابط بین‌الملل وارد شد. او نظریه خود در این زمینه را در مقاله‌ای با عنوان «گمراه‌کنندگی

1. Soft Power
2. Sun Tzu
3. Joseph Nye

استعاره انحطاط»^۱ در نشریه آتلانتیک در مارس ۱۹۹۰ مطرح کرد (اسمعیلی، ۱۳۹۶: ۸۵۵) و از آن زمان این مفهوم را در آثار متعددی توسعه داده است (Nye, 1990, 2004). به عقیده نای، در عصر اطلاعات برای اعمال نفوذ بر دیگران، به جای تکیه بر «هویج و چماق»^۲ این توانایی یک بازیگر برای غلبه بر قلبها و ذهنهاست که دارای اهمیتی تعیین کننده است (Nye, 1990, 2004). گزاره اصلی قدرت نرم عبارت است از اینکه بازیگران می‌توانند بدون استفاده از تهدید یا پاداش محسوس، به نتایج مورد نظر دست یابند. در واقع، قدرت نرم، شیوه غیرمستقیم دستیابی به نتایج دلخواه است. برخلاف قدرت سخت^۳، که بر پاداش و یا تهدید مبتنی است، قدرت نرم، بدون پاداش و تهدید اعمال می‌شود و عبارت از توانایی دستیابی به نتیجه دلخواه از راه جذب کردن^۴ نه از راه اجبار و یا پاداش است (Wang and Lu, 2008: 425). اهمیت قدرت نرم در آن است که مکمل قدرت سخت محسوب می‌شود، به طوری که بی‌توجهی به قدرت نرم، می‌تواند قدرت سخت را زیر سؤال برده و راهبرد قدرت را به نحو محسوسی تضعیف نماید. نظر به اهمیت و نفوذ این گونه از قدرت است که می‌توان مدعی شد کاربست قدرت نرم به منظور دستیابی به اهداف ملی، به طور فزاینده‌ای به گزینه جذاب‌تری در مقایسه با قدرت سخت تبدیل شده است.

به عقیده نای، قدرت نرم یک کشور می‌تواند از سه منبع عمده فرهنگ (بر دو گونهٔ اعلی و ادنی)، ارزش‌های سیاسی (شیوه برخورد حکومت با شهروندان) و سیاست خارجی (شیوه تعامل حکومت با محیط بیرونی) پدید آید (رحمانی و شمس‌آبادی، ۱۳۹۸: ۷۹). افزون‌براین، تغییر ترجیحات، شیوه تفکر یا رفتار مخاطبان بدون داشتن اهداف خاصی در ذهن، به شدت غیرمنطقی و بیهوده است؛ چراکه جذاب‌شدن یا مورد احترام واقع‌شدن به خودی خود نمی‌تواند به منزله اهداف قدرت نرم قلمداد شود. از این رو ضروری است تا اهداف خاصی مانند بهبود محیط امنیتی، بسیج حمایت‌ها در راستای اقدامات مشترک یا افزایش محبوبیت داخلی به عنوان اهداف اعمال‌کنندگان از طریق قدرت نرم تأمین شود. بنابراین، راهبردهای قدرت نرم لزوماً باید واجد نوعی «هدف خاص»^۵ و در مرحلهٔ بعد، از پیش تعیین شده باشد، نه اینکه صرفاً جذاب‌شدن یا مورد احترام واقع‌شدن اعمال‌کنندگان را هدف قرار دهد (اسمعیلی، ۱۳۹۶: ۸۶۷).

با تحول و توسعه گفتمان قدرت و طرح مفهوم قدرت نرم، مفهوم «عمق راهبردی»^۶

1. The Misleading Metaphor of Decline
2. Carrots and sticks
3. Hard Power
4. Attraction
5. Goal- Specific
6. Strategic Depth



نیز در معرض تحول قرار گرفت. تحت تأثیر تحول یادشده، تأثیرگذاری و نفوذ کنش‌گران در روند تصمیم‌گیری‌ها و جهت‌گیری‌های سایرین در قالب «عمق راهبردی نرم» برجسته شده است. از این زاویه، عمق راهبردی نرم، ریشه در قدرت نرم یک کشور دارد. در مقایسه عمق راهبردی در مفهوم کلاسیک و جدید باید گفت در حالی که عمق راهبردی کلاسیک به محدوده جغرافیایی و نظامی داخلی سرزمین یک کشور اطلاق می‌شد (حسینی، ۱۳۸۶: ۱۵۳)، عمق راهبردی نرم به فراتر از مرزهای ملی کشور نظر دارد که با تسری قدرت نرم یک کشور به بیرون از مرزهای ملی آن شکل می‌گیرد. احمد داوودوگلو^۱، به‌عنوان یکی از نخستین اندیشمندی که عمق راهبردی را در معنای جدید به کار گرفت، قدرت دولت را به‌عنوان ورودی محوری سیاست بین‌الملل تعریف می‌کند. وی مؤلفه‌های قدرت را به دو دسته پایدار (تاریخ، جغرافیا، جمعیت و فرهنگ) و بالقوه (قابلیت‌های اقتصادی، فناوری و نظامی کشورها) تقسیم می‌کند. هنگامی که این متغیرها به‌طور مؤثری مورد استفاده قرار می‌گیرند، نفوذ کشور در توازن قوای سیاست بین‌الملل افزایش می‌یابد (Tashgian, 2012: 12). تز اصلی دکترین داوودوگلو این بود که عمق راهبردی بر عمق جغرافیایی^۲ و عمق تاریخی^۳ مبتنی است (Murinson, 2007: 947).

بر مبنای گزاره‌های نظری فوق می‌توان مبانی مفهومی و نظری پژوهش حاضر را این‌گونه استنتاج کرد: اول، قدرت نرم زیرساخت‌های لازم برای ارتقای امنیت نرم (ملی و فراملی) و تحکیم عمق راهبردی کشورها را فراهم می‌سازد. دوم، قدرت نرم و عمق نفوذ راهبردی فرایندی هدف‌مند بوده و برای دستیابی به اهداف تعریف‌شده تدوین و اجرا می‌شود. سوم، با عنایت به ماهیت و چگونگی شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران، می‌توان گفت این انقلاب بر مبنای قدرت نرم پدید آمد. قدرت نرم انقلاب اسلامی تنها به بعد داخلی و دوره وقوع انقلاب اسلامی محدود نشد و از این جهت، عمق راهبردی نرم جمهوری اسلامی با وقوع انقلاب اسلامی در آن سوی مرزهای ملی ایران شکل گرفت. در این میان، عراق و سوریه به‌عنوان کشورهایی که جلوه‌ها و منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در آنها از تعدد، تکثر و برجستگی خاصی برخوردار بوده و به‌نوعی اجزای محوری عمق راهبردی نرم ایران را تشکیل می‌دهند، موضوع پژوهش حاضر قرار گرفته‌اند.

قدرت نرم و عمق نفوذ راهبردی ایران در پهنه منطقه‌ای

عمق راهبردی نرم جمهوری اسلامی، سطوح گوناگونی دارد. اولین حلقه عمق راهبردی

1. Ahmet Davutoglu
2. Geographical depth
3. Historical depth

ایران، به دلیل ماهیت انقلاب اسلامی، جهان اسلام است. ایران به واسطه پیام و ارزش‌هایی که بر آنها تأکید می‌کند، توانسته است در جهان اسلام و امت اسلامی الگو باشد و عمق راهبردی ایجاد کند. حمایت توده‌های مردم و نفوذ قدرت نرم جمهوری اسلامی در جغرافیای جهان اسلام، مصونیت دیگری را برای دفاع در مقابل قدرت نرم و سختی ایجاد کرده که غرب علیه این انقلاب اعمال می‌کند (خرمشاد، ۱۳۹۲: ۲). لایه‌های بعدی به دیگر مناطق جغرافیایی مذهبی دنیا مرتبط می‌شود که با اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی همسویی دارد. بیداری اسلامی و متعاقب آن تحولات منطقه‌ای از جمله شکل‌گیری گروه‌های تروریستی حرکت جدیدی بود که در خلال آن، عمق راهبردی جمهوری اسلامی در لایه نخست شکل گرفت. ایجاد عمق راهبردی ایران در کشورهایمانند عراق، سوریه، لبنان، یمن و بحرین از این منظر قابل تحلیل است. سریع‌ترین و گسترده‌ترین بازتاب انقلاب در این مناطق بوده است، اما از همان ابتدا برای محدودسازی عمق راهبردی نرم انقلاب اسلامی اقدامات گسترده‌ای از سوی رقبا و مخالفان منطقه‌ای و بین‌المللی صورت پذیرفت. ایران با شناخت عمیق از تغییر و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، برنامه منسجمی برای ارتقای عمق راهبردی نرم خود در دستورکار قرار داد. براین‌مبنا، جمهوری اسلامی ایران سعی کرد با مدیریت تحولات منطقه، عمق راهبردی نرم خود را هرچه‌بیشتر گسترش دهد (حاجی‌یوسفی، ۱۳۸۸: ۱۶۳).

ایران مهم‌ترین «دولت پیوندی» و به عبارتی، کانون پیوند چند حوزه ژئوپلیتیکی و دو مخزن بزرگ انرژی جهان محسوب می‌شود که به دلایل جغرافیایی و تاریخی در تمامی مسائل مهم منطقه از جمله منازعه رژیم صهیونیستی - فلسطین، اشاعه هسته‌ای، تروریسم، امنیت خلیج فارس، انرژی، آینده عراق، سوریه، لبنان و افغانستان از موقعیت محوری برخوردار است (Hadian, 2015: 3). از آنجاکه انقلاب اسلامی در شعارها، اهداف، روش‌ها، محتوا و نتایج حرکت‌ها برای سایر مسلمانان جذابیت داشت و سابقه مشترک دینی و تاریخی و شرایط محیطی منطقه‌ای و بین‌المللی نیز با آنان دارا بود، در جهان اسلام (از شمال آفریقا تا شرق آسیا) بازتاب گسترده‌ای داشت. با وقوع انقلاب اسلامی، رقبا و دشمنان منطقه‌ای ایران به‌منظور محدودسازی عمق راهبردی نرم جمهوری اسلامی اقدامات زیادی انجام داده‌اند، اما تحولات منطقه‌ای از جمله سقوط طالبان در افغانستان، سقوط صدام در عراق، پیروزی‌های محور مقاومت و وقوع بیداری اسلامی در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، سبب تعمیق نفوذ نرم ایران در غرب آسیا شده است. با وقوع جنبش بیداری اسلامی، عمق راهبردی نرم جمهوری اسلامی بازتولید شد. تهران به‌دنبال شروع بحران‌های سوریه و عراق تلاش کرد تا عمق راهبردی خود را از طریق قدرت نرم و سخت



حفظ نماید. با ازبین رفتن چالش‌های ناشی از گروه‌های ضدسیستمی تهاجمی به‌ویژه داعش و تلاش‌ها برای تغییر نظام سیاسی در سوریه، ایران راهبردهای جدیدی چون تقویت محور مقاومت، جلوگیری از بالکانیزه‌سازی و مشارکت در روند بازسازی سوریه را با هدف تثبیت عمق راهبردی خود در دستور کار قرار داده است (Gharedaghi, 2018: 28-31).

در کنار موارد فوق، عوامل متعدد ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک، ژئواستراتژیک و ژئوکالچر نیز به‌عنوان متغیرهای تسهیل‌کننده قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق و سوریه عمل می‌نمایند. عراق و سوریه از جایگاه ویژه‌ای در سیاست راهبردی ایران برخوردارند. عراق، قلب خاورمیانه عربی است و از نظر ژئوپلیتیکی دو زیرمجموعه حساس شامات و خلیج‌فارس را به هم وصل می‌کند و لذا می‌تواند به‌طور هم‌زمان در این دو زیرمنطقه به ایجاد موازنه بپردازد. به‌عنوان مثال، در دوران صدام، عراق در شامات با سوریه و در خلیج‌فارس با ایران ایجاد موازنه می‌کرد (عبدالله‌خانی، ۱۳۹۰: ۳۰۰). ۹۰۰ مایل مرزهای مشترک ایران و عراق نیز چنین اهمیت و جایگاهی را ارتقا بخشیده است. سوریه نیز از موقعیت محوری در زیرمجموعه شامات برخوردار است (نیاکویی و ستوده، ۱۳۹۴: ۱۵۹). این زیرمجموعه شامل رژیم صهیونیستی و همسایگان عرب آن بوده که ترکیبی از دولت‌ها (مصر، سوریه، لبنان و اردن) و بازیگران غیردولتی (ساف، حماس و حزب‌الله) را شامل می‌گردد. قرابت جغرافیایی دو هسته شامات و خلیج‌فارس باعث شده تا با وجود داشتن پوشش‌های محلی مستقل، مسائل متعدد و مشترکی میان آنها وجود داشته باشد و این امر به گره خوردن عناصر مجموعه امنیتی منطقه‌ای غرب آسیا با یکدیگر کمک می‌کند. به‌طور سنتی، سوریه یکی از رقبای رژیم صهیونیستی است ولی هم‌زمان رقیب عراق نیز می‌باشد و در هر دو جنگ خلیج‌فارس علیه عراق موضع گرفت. سوریه در هر دو رقابت متحد ایران بود (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۱۰۶ - ۱۰۴). افزون‌براین، سوریه تنها متحد وفادار عربی ایران در طول جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و مجرای اصلی کمک‌های مالی و نظامی ایران به حزب‌الله لبنان و حماس فلسطین از دهه ۱۹۸۰ بوده است (Goodarzi, 2013: 25). موقعیت ژئوپلیتیک سوریه در امتداد مرزهای شمالی رژیم صهیونیستی نیز جایگاه ممتازی به این کشور در خط مقدم محور مبارزه با رژیم صهیونیستی داده است. سوریه همچنین از طریق فراهم‌نمودن امکان دسترسی محور مقاومت به سیستم ژئوپلیتیکی غرب آسیا و دریای مدیترانه واجد نوعی عمق راهبردی حیاتی است (Mazis and Sarlis, 2013: 128). مجموعه این عوامل باعث شده است که عراق و سوریه نقشی محوری و راهبردی در «محور مقاومت»^۱ داشته باشند.

قدرت نرم ایران در عراق و سوریه پس از ظهور داعش

قدرت نرم ایران در عراق و سوریه از جلوه‌ها و ابعاد مختلفی برخوردار بوده است. در حوزه فرهنگی، حوزه و مرجعیت، فرهنگ و تاریخ مشترک، وجود نهادهای مذهبی و توریسم مذهبی و در حوزه ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی، اسلام انقلابی و وجود گروه‌ها، قومیت‌ها و احزاب سیاسی طرفدار جمهوری اسلامی ایران و حمایت از آنها، قرابت و نزدیکی جغرافیایی، دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای و حمایت ایران از عراق و سوریه در عرصه بین‌المللی، از جمله منابع نرم‌افزاری قدرت ایران در بغداد و دمشق به‌شمار می‌روند (جمشیدی و محمدی، ۱۳۹۳: ۶۷؛ عنایتی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۹). دو شهر قم و مشهد در ایران، شهرهای کربلا، نجف، کاظمین و سامرا در عراق و شهر دمشق در سوریه از مرکزیت و مرجعیت ویژه‌ای در جهان اسلام برخوردارند. میلیون‌ها ایرانی، عراقی و سوری هر سال برای زیارت به این شهرها سفر می‌کنند (Pollack, 2017). در این میان، مرجعیت نجف با محوریت آیت‌الله سیستانی و سازماندهی ایران نقش مهمی در بسیج نیروهای مردمی برای مقابله با داعش داشته است؛ به‌ویژه که مشی اعتدالی آیت‌الله سیستانی مانع از ایجاد تنش‌های فرقه‌ای و در نتیجه گسترش عضویت گروه‌های داوطلب از سایر گروه‌های قومی - مذهبی در این سازوکار گردید.

عراق، افزون بر قرابت جغرافیایی، قومی و مذهبی بخشی از حوزه تمدنی ایران به‌شمار می‌رود (محمدیان و ترابی، ۱۳۹۴: ۲۳۳)، با این حال، نقطه عطف گسترش قدرت نرم و عمق نفوذ راهبردی ایران در عراق جدید به تحولات بعد از ورود نیروهای داعش به موصل باز می‌گردد (Hashem, 2017: 108)؛ جایی که ایران نفوذ و تأثیرگذاری خود در صحنه میدانی و عرصه رقابت گفتمانی مبارزه با داعش را به سایر بازیگران و رقبای درگیر نشان داد. سوریه نیز به‌لحاظ ژئوکالچری، در حوزه تمدنی نفوذ ایران قرار داشته است. جایگاه ایران در ژئوکالچر شیعه در غرب آسیا باعث ارتقای توان بازدارندگی کشور در جهان اسلام و هویت شیعی می‌گردد. وضعیت جنبش‌های شیعی در غرب آسیا نشان می‌دهد پیوندهای قوی‌تری که میان واحدها با گرایش اسلام‌گرایی شیعی، در وهله اول در جهان اسلام و در وهله دوم در جهان تشیع وجود دارد، اسباب ایجاد روابطی مستحکم‌تر را میان برخی واحدهای درون شبکه ژئوکالچری اسلام فراهم کرده است و به‌لحاظ وجوه تمایزی که از آنها برخوردار است و میزان قابل توجهی از استقلال که نسبت به دو شبکه وسیع‌تر اسلام و تشیع دارد، می‌تواند به‌عنوان یک خرده‌شبکه مستقل و هویتی فرهنگی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار باشد (سیفی، ۱۳۹۱: ۶۵).

بر مبنای آنچه تاکنون گفته شد، مؤلفه‌های افزایش نفوذ و جایگاه قدرت ایران در عراق



و سوریه در گذر زمان روند صعودی را به‌لحاظ منابع، ابزارها، شاخص‌ها و کارکردها طی نموده است. منظور از قدرت نرم ایران، مؤلفه‌های کلان‌گفتمان انقلاب اسلامی است که در سطح منطقه فراگیر شده است. ایران از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۹۷۹، روابط دوستانه‌ای را با دولت‌های حافظ اسد و بشار اسد برقرار نموده و به‌موازات تبدیل‌شدن دو کشور به عمق راهبردی یکدیگر،^۱ قدرت نرم ایران در این کشور با کم‌ترین نوسان در سطح قابل‌ملاحظه‌ای قرار داشته است. ایران و سوریه در فوریه ۲۰۰۴ یک موافقتنامه همکاری راهبردی و در سال ۲۰۰۶ یک پیمان دفاعی دوجانبه امضا کردند که ایران را متعهد به دفاع از سوریه در مقابل رژیم صهیونیستی می‌کرد. در این رابطه، علی شمخانی وزیر دفاع وقت ایران اظهار داشت: «در وضعیت راهبردی موجود در منطقه، سوریه اولین خط دفاعی ایران می‌باشد و ایران باید به‌عنوان عمق راهبردی سوریه ایفای نقش کند» (درویشی و فیاضی، ۱۳۹۵: ۷۶). چنین وضعیتی در دوران پس از ظهور داعش در سوریه تداوم یافته و نشانه‌های تأثیرگذاری فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر دولت سوریه برجسته‌تر شده است. در مبحث بعدی سعی می‌شود چنین مؤلفه‌هایی مورد بررسی قرار گیرند.

تحکیم و بازتولید فرهنگ مقاومت در عراق و سوریه

نقش جمهوری اسلامی ایران در پایه‌گذاری نیروی دفاع وطنی در سوریه و ارتقای تحرک نیروهای بسیج مردمی در عراق با الگوبرداری از بسیج ایران و سازماندهی گروه‌های مقاومت در قالب حزب‌الله لبنان، انصارالله یمن، حشدالشعبی عراق، لشکر زینبیون و فاطمیون به‌عنوان عامل مهمی در تداوم نظام‌های سیاسی سوریه و عراق و افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران در این دو کشور عمل نموده است (نیاکویی و پیرمحمدی، ۱۳۹۸: ۱۸۲). در سوریه و عراق، به‌موازات راهبرد ایران در ارائه کمک‌های مستشاری که سهم مؤثری در مهار تدریجی بحران این دو کشور داشت، جمهوری اسلامی با طرح «دفاع از حرم» میان عوامل سخت و نرم قدرت ملی و منطقه‌ای خود پیوند جدیدی پدید آورد. در عرصه دیپلماتیک و سیاسی هم ایران با تداوم حمایت از متحدان خود در سوریه و عراق، با روسیه تقارن منافع راهبردی یافته و با استفاده از ظرفیت‌های نظامی و دیپلماتیک روسیه و تا حدودی چین،

۱. رهبری معظم انقلاب در سه دیدار خود با بشار اسد در سال‌های ۱۳۷۹، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۷، روابط جمهوری اسلامی ایران و سوریه را از «دیرینه‌ترین و ممتازترین روابط در سطح منطقه» دانسته و دو کشور را «عمق استراتژیک یکدیگر» معرفی نموده‌اند. در دیدار اخیر که پس از سقوط داعش و پیروزی محور مقاومت در تهران انجام شد، ایشان فرمودند: «ایران و سوریه عمق راهبردی یکدیگر هستند و هویت و قدرت جریان مقاومت وابسته به این ارتباط مستمر و راهبردی است، براین‌اساس دشمنان نخواهند توانست نقشه‌های خود را عملیاتی کنند» (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور سوریه، ۱۳۹۷/۱۲/۶).

عمق راهبردی هوشمند خود را تحکیم بخشیده است (پورحسن، ۱۳۹۶: ۸۹). بنابر گزارش نیویورکر، حمایت از گروه‌های نیابتی توسط سپاه قدس به رهبری سردار قاسم سلیمانی با نیرویی نزدیک به ۲۰/۰۰۰ نفر صورت پذیرفت و موفقیت وی در گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران او را به‌عنوان یک قهرمان ملی مطرح ساخته است (شکوری و وزیریان، ۱۳۹۸: ۹). حضور مستشاری ایران و انتقال تجربیات متعدد فرهنگ دفاعی کشور به نیروهای مسلح عراق و سوریه در جنگ با داعش نیز جلوه دیگری از قدرت نرم ایران را روایت می‌کند.

در سطح داخلی محور مقاومت نیز افزایش ضریب نفوذ منطقه‌ای ایران و پذیرش نقش منطقه‌ای آن از سوی سایر دولت‌ها به‌روشنی قابل ملاحظه است. در جریان انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۸ عراق که نخستین انتخابات پس‌داعش در این کشور به‌شمار می‌رفت، نیز جمهوری اسلامی ایران عمدتاً از ائتلاف فتح به رهبری عادی العامری حمایت کرد. این گروه علاوه بر اینکه هسته اصلی حشدالشعبی را تشکیل می‌دهد، یکی از اهرم‌های اصلی نفوذ ایران در عرصه سیاسی و امنیتی عراق محسوب می‌شود (نیاکویی و پیرمحمدی، ۱۳۹۸: ۱۷۶). جمهوری اسلامی در روابط خارجی با عراق، روابط نزدیک با این جریان‌ها و احزاب سیاسی این کشور را حفظ کرده و از این طریق به‌دنبال تشویق سیاست‌مداران عراقی برای تعقیب سیاست‌های مطلوب برای منافع مشترک منطقه‌ای است (صادقی و عسگرخانی، ۱۳۹۰: ۹۳۷). در شرایط کنونی نیز به‌رغم اختلاف‌نظرهایی که میان جریان‌های سیاسی عراق درخصوص بحران سوریه، حشدالشعبی، تقویت ایده‌های ملی‌گرایانه و تلاش برای دستیابی عراق به یک سیاست داخلی و خارجی مستقل نزد افرادی چون عمار حکیم و مقتدی صدر وجود دارد، اما جمهوری اسلامی ایران کماکان وزن راهبردی خود را در صحنه تحولات سیاسی این کشور حفظ نموده است. به‌عنوان مثال، محمد حلبوسی در نخستین اظهارات خود پس از برگزیده‌شدن به ریاست پارلمان مبنی بر اجازه‌ندادن به دیگران برای استفاده از خاک عراق علیه جمهوری اسلامی ایران (سوری، ۱۳۹۸)، به‌وضوح عمق نفوذ راهبردی ایران در میان جریان‌های مختلف عراق را نشان می‌دهد. چنین وضعیتی در رابطه با سوریه نیز قابل رؤیت است. براین‌مبنا، بشار اسد درعین مقایسه جنگ سوریه با جنگ تحمیلی هشت‌ساله علیه ایران، گذار سوریه از وضعیت بی‌ثباتی و جنگ داخلی را برآیند پیروی از فرهنگ و هویت مقاومت می‌داند: «ایران و سوریه ملت‌هایی دارای هویت و عقیده هستند و دستاوردهای امروز نتیجه ایستادگی در کنار جریان مقاومت است» (ایرنا، ۱۳۹۷).

در کنار تداوم حکومت اسد در سوریه، ناتوانی رقبای منطقه‌ای ایران در گسترش دامنه ناآرامی‌ها به لبنان و تحت‌الشعاع قراردادن کنشگری حزب‌الله در بحران سوریه و استمرار



نفوذ ایران در عراق، می‌توان به گسترش عمق راهبردی ایران به یمن و مطرح شدن به‌عنوان یک بازیگر کلیدی در بحران قطر اشاره کرد که قلمرو نفوذ ایران را به معادلات جنوب خلیج فارس گسترش داده است. در حوزه ژئوپلیتیکی یمن، انصارالله تحت حمایت معنوی ایران، ائتلاف سعودی را زمین‌گیر کرده و شواهد موجود نیز حاکی از آن است که ترسیم چشم‌انداز آینده یمن بدون ملاحظه نقش ایران و انصارالله غیرممکن است. بحران قطر نیز در عین ایجاد انشعاب در یکی از محور منطقه‌ای اصلی مقابله با نفوذ ایران در عراق و سوریه، نقش و جایگاه برجسته ایران در زیرمجموعه خلیج فارس را مورد تأیید قرار داد. عمده تلاش ریاض معطوف بدان است که مسلمانان سنی و اعراب را در چارچوب ایجاد نوعی ناتوی عربی در غرب آسیا برای مبارزه با ایران متحد کند. انشعاب در شورای همکاری کشورهای عرب منطقه خلیج فارس سبب تضعیف چنین ایده‌ای شده است (سازین، ۲۰۱۷). بر این وضعیت، تحرکات و نشانه‌های اخیر دیگر کشورهای عربی برای ترمیم روابط با ایران را هم باید اضافه کرد که روی هم رفته دلالت بر افزایش قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران در دوران پس از ظهور داعش دارد. به‌عنوان نمونه، امارات تلاش دارد تا با خروج تدریجی نیروهایش از یمن از تنش‌ها با ایران کاسته و به‌نوعی از طرح‌های جاه‌طلبانه سعودی‌ها فاصله گیرد. امارات اعلام کرده است که کاستن از نیروهایش در یمن به‌منظور تقویت مذاکرات با حوثی‌ها و پایان دادن به جنگ صورت می‌گیرد. از این جهت، اماراتی‌ها متوجه شده‌اند بهترین راه برای حفظ امنیت ملی و منطقه‌ای تعامل با همسایه شمالی این کشور است (آبشناس، ۲۰۱۹). از این جهت، می‌توان گفت که تداوم روند فرسایشی بحران یمن باعث شده تا این دو کشور نه‌تنها مداخلات خود در سوریه و عراق را کاهش دهند، بلکه به‌دنبال خاتمه‌بخشیدن به وضعیت فعلی از طریق حرکت به‌سوی سازوکارهای مسالمت‌آمیز باشند.

الهام‌بخشی و افزایش نقش ایران در سیاست و حکومت عراق و سوریه

قدرت‌گرفتن شیعیان در عراق و علویان در سوریه موجب بیم محافظه‌کاران عرب و کشورهای غربی شده است و آثار این واژه را می‌توان در کاربرد مفهوم «هلال شیعی»^۱ مشاهده کرد که برای نخستین بار ملک عبدالله پادشاه اردن مطرح کرد. این اصطلاح به تدریج در رابطه با ایجاد هویت شیعی و شکل‌گیری یک بلوک هویتی جدید به‌کار گرفته شد. نوام چامسکی با بیان آنکه بیشترین ذخایر انرژی غرب آسیا در منطقه‌ای موسوم به هلال شیعی قرار دارد، کنترل ایران بر این هلال را وحشتناک‌ترین کابوس آمریکا



برمی‌شمارد (جوادی‌ارجمند و طلوعی، ۱۳۹۳: ۷۷۹). تحول یادشده به‌ویژه قرارگرفتن عراق در کنار ایران و سوریه در محور مقاومت، به‌نوعی برهم‌زننده نظم سنتی عربی بود که در آن بغداد و دمشق بازیگران عمدهٔ پان‌عرب به‌شمار می‌آمدند. با آغاز بحران در عراق و سوریه و نقش‌آفرینی فزایندهٔ داعش بر محور برخی ضعف‌های داخلی این دو کشور اغلب تحلیلگران مسائل منطقه بر این نکته پافشاری کردند که توان راهبردی محور مقاومت و جمهوری اسلامی در نتیجهٔ تحولات غرب آسیا دچار ضعف و فرسایش جدی خواهد شد. اما واقعیت‌های موجود و شکست داعش در عراق و سوریه با همراهی ایران و محور مقاومت صحت چنین ادعایی را زیر سؤال برد، بلکه ایران از ظرفیت‌های جدید در حوزه‌های اقتصادی به‌منظور تحکیم محور مقاومت پرده برداشته است.

عواملی چون مخالفت ایران با مداخلهٔ کشورهای بیگانه در عراق و سوریه، سرمایه‌گذاری‌های گسترده در روند بازسازی این دو کشور، گشودن مرزهای خود به‌روی مهاجران سوری و عراقی و به‌طور کلی قرارگرفتن در کنار آنها در برهه‌های حساس و نقاط عطف تاریخی نقش مؤثری در برسازي چهرهٔ مثبت از تهران در اذهان و قلوب مردم و مقامات این دو کشور داشته است. مهم‌ترین برگ برندهٔ ایران در این زمینه نفوذ بر افکار مسئولان و مردمان این دو کشور است، مؤلفه‌ای که قدرت مداخله‌گر خارجی یعنی امریکا به‌ویژه با توجه به عملکرد خویش تا حدود زیادی از آن بی‌بهره است (جمشیدی و محمدی، ۱۳۹۳: ۸۰). در این سال‌ها، سیاست‌مداران و تکنوکرات‌هایی چون ابراهیم الجعفری، نوری المالکی، حیدر العبادی تحت تأثیر ایران قرار داشته‌اند. افزون‌براین، ایران غالباً روابط دوستانه‌ای با کردهای عراق داشته است. رهبران سابق کردها یعنی جلال طالبانی، رهبر اتحادیه میهنی کردستان و مصطفی بارزانی، رهبر حزب دموکرات، به‌واسطهٔ کمک ایران به کردها در جریان عملیات انفال و در جریان قیام ۱۹۹۱، روابط دوستانه‌ای با ایران داشتند (عطایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۰۰). ایران نخستین کشوری بود که کنسولگری‌های خود را در دو شهر اصلی کردستان عراق افتتاح کرد و با این اقدام عملاً کردها را مورد حمایت سیاسی خود قرار داد. به‌رغم ایجاد برخی از کدورت‌ها میان ایران و اقلیم بر سر برگزاری همه‌پرسی استقلال اقلیم و در پی آن، شکل‌گیری ائتلاف تاکتیکی ایران و ترکیه برای محاصرهٔ اقلیم، در دوران پسا‌همه‌پرسی به‌طور تدریجی جلوه‌های عادی‌سازی مناسبات میان تهران با اربیل پدیدار شده است. از این‌رو، تهران در کنار تأثیرگذاری بر حکومت مرکزی، از نفوذ قابل‌توجهی میان بازیگران غیرحکومتی که اقتدار مرکزی را به چالش می‌کشند، برخوردار است (Nader, 2015: 5). مجموعه این عوامل باعث شده است که ایران به تأثیرگذارترین بازیگر خارجی در صحنهٔ عراق تبدیل شود (Husen Arif, 2019: 2). در



رابطه با سوریه نیز تهران معتقد است که باید به اسد اجازه داده شود که در فرایند گذار به انتخابات حضور داشته باشد و باتوجه به محبوبیت وی، به احتمال زیاد پیروز انتخابات خواهد بود (بصیری و پانوجی، ۲۰۱۶: ۱۷). کمک‌های متعدد جمهوری اسلامی ایران به موازات تسهیل پیروزی دولت سوریه بر گروه‌های ضدسیستمی چون داعش، نقش مهمی بر ادراک راهبردی مقامات سوریه درخصوص ایران داشته است. براین مبنای بشار اسد اظهار داشته است «ما کمک‌های دولت و ملت ایران در دوران سخت جنگ با تروریسم را هرگز فراموش نمی‌کنیم» (فارس، ۱۳۹۷).

در سال ۱۳۹۴، ابراهیم الجعفری، وزیر امور خارجه وقت عراق اظهار داشت که «وقتی موصل هدف حمله داعش قرار گرفت، قبل از اینکه جامعه جهانی اقدامی انجام دهد، ایران در کنار ما ایستاد... ملت عراق حمایت‌های مردم و مسئولان ایران در جنگ با داعش را فراموش نخواهند کرد» (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۴). نچیروان بارزانی نیز این موضوع را تأیید کرد: «زمانی که داعش به کردستان عراق حمله کرد، ایران اولین کشوری بود که به ما کمک کرد (Mustafa, 2016). جمهوری اسلامی ایران همچنین نقش مؤثری در جلوگیری از سقوط شهر اربیل و نفوذ داعش به کردستان عراق داشت. اظهارات ابراهیم الجعفری به وضوح نقش مثبت و سازنده ایران در مناطق کردی، شیعی و سنی‌نشین عراق را به تصویر می‌کشد: «اینکه ایران مستشارانی (در عراق) داشته باشد یا از جنبه انسانی به ما کمک کند این خوب خواهد بود و ایران تفاوتی بین مناطق مختلف قائل نشد. زمانی که داعش منطقه "مخمور" را تهدید کرد و به دروازه‌های اربیل رسید، ایرانی‌ها به کردستان رفتند و امکانات و مشاوه‌های خود را به آنها ارائه دادند» (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۳). درحالی که داعش گام‌های نهایی برای تصرف اربیل را برمی‌داشت، یک اتفاق مهم این شهر را از سقوط حتمی نجات داد. سرلشکر سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران، با انجام یک عملیات سریع و دقیق موفق شد محاصره شهر اربیل را بشکند. چندی بعد سردار حاجی‌زاده، فرمانده نیروی هوافضای سپاه در این رابطه گفت: «اگر ایران نبود داعش کردستان عراق را می‌گرفت، سردار سلیمانی با ۷۰ نفر جلوی داعش را گرفت و نگذاشت وارد اربیل شوند». درواقع، با بحرانی شدن شرایط و پس از آنکه داعش اربیل را به محاصره خود درآورد، تنها کشوری که به درخواست کمک بارزانی جواب مثبت داد، جمهوری اسلامی ایران بود و حتی امریکایی‌ها نیز در خواست کمک بارزانی را بی‌پاسخ گذاشتند. جمهوری اسلامی با یک تصمیم قاطع درجهت دفاع از مردم و دولت عراق، خطر سقوط شهر اربیل و ورود داعش به سایر مناطق کردنشین شمال عراق را خنثی نمود (تابناک، ۱۳۹۶). در همین ارتباط، زانا سعید نماینده کرد عراقی در پارلمان این کشور معتقد است

ایران نه تنها به نیروهای عراقی کمک کرد و مستشاران خود را برای سازماندهی آنها روانه عراق نمود، بلکه مانع از سقوط شهری چون اربیل به دست داعش شد (ایرنا، ۱۳۹۶).

تقویت تبادلات فرهنگی و اقتصادی ایران با عراق و سوریه

گسترش تبادلات فرهنگی به منزله روندی محسوب می‌شود که از سطح مناسبات کشورها با یکدیگر و پویش‌های قدرت نرم در آن تأثیر می‌پذیرد. عراقی‌ها جایگاه ویژه‌ای برای مرجعیت قائل هستند؛ موضوعی که خود را در پیروی از حکم جهاد برای مبارزه با داعش نشان داد. این امر که با سازماندهی نیروهای نظامی و مستشاری ایران تحقق یافت، نقش مؤثری در حفظ یکپارچگی و جلوگیری از تجزیه عراق داشت. این نیروها در کنار نیروهای بسیج مردمی^۱ در عراق و سوریه، نقش محوری را در عملیات آزادسازی و بازپس‌گیری بسیاری از شهرهای تحت کنترل داعش را به‌عهده گرفتند (Mansour and Jabar, 2017: 3). این امر با عبور از خط قرمز امریکا، آزادسازی شهر راهبردی البوکمال و اتصال مجدد خط زمینی تهران - بغداد - دمشق در ژوئن ۲۰۱۷ از برجستگی خاصی برخوردار شد. برآیند چنین وضعیتی، تحکیم و تثبیت قدرت نرم و عمق نفوذ راهبردی جمهوری اسلامی ایران در عراق و سوریه بوده است. در همین ارتباط، هنری کسینجر معتقد است: «هم‌اکنون کمربندی شیعی از تهران به بغداد و از بغداد تا بیروت به‌وجود آمده است. این امر به ایران فرصت می‌دهد تا امپراتوری سابق خود را در شرایطی که ساختار غرب آسیا در حال تغییر است، بازسازی و احیا کند» (Kissinger, 2014).

در دوران بعد از آغاز بحران سوریه، تبادل دانشجو میان ایران و سوریه ادامه یافته است. براین‌مبنا، اعطای بورس‌های تحصیلی سالانه ایران به دانشجویان سوری با رشد چشمگیری همراه شده است (سانا، ۲۰۱۶). یکی از نکات برجسته سفر بشار اسد به تهران، تأکید وی بر لزوم مشارکت و حضور ایران در دوران بازسازی اقتصادی آن کشور و تعامل و ارتباط فرهنگی میان علما و اندیشمندان ایران و سوریه بود که می‌تواند برای هر دو طرف منافع خاص خود را به‌همراه داشته باشد. حضور ایران در دوران بازسازی سوریه می‌تواند تأمین‌کننده منافع اقتصادی هر دو کشور باشد و این امر با عنایت به تجربه بخش دولتی و خصوصی ایران در حوزه بازسازی و نوسازی می‌تواند فرصت مناسبی به‌شمار آید. ایران خط‌آهن سه‌جانبه ایران، عراق، سوریه را بخشی از پروژه بازسازی سوریه می‌داند. این خط‌آهن علاوه بر منافع اقتصادی و کمک به کاهش فشار تحریم‌های غرب بر ایران، مقوم همکاری‌های اقتصادی و امنیتی با سوریه و عراق، تسهیل‌کننده «گردشگری مذهبی» و



«گردشگری سلامت» در میان سه کشور بوده و راه دستیابی ایران به بازارهای منطقه‌ای و اروپا را (از جمله در حوزه صادرات گاز ایران به اروپا) فراهم می‌آورد. در واقع، به موازات خط‌آهن ریلی، خط لوله انتقال گاز نیز قابلیت احداث و بهره‌برداری پیدا خواهد کرد. از طرفی توافقات بانکی ایران - سوریه برای افتتاح شعب بانک‌های ایرانی در این کشور، ضمن آینده‌نگری نسبت به نیاز مالی شرکت‌های ایرانی فعال در پروژه بازسازی سوریه، افق میان‌مدت و بلندمدت فضای رقابتی در حوزه اقتصاد و تبادلات مالی را در این کشور هم‌جوار با ساحل مدیترانه، مدنظر قرار داده تا شرکت‌های ایرانی توان رقابت با دیگر شرکت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را از دست ندهند (شمسی، ۱۳۹۷: ۱۱ - ۱۰).

مشارکت فعالانه ایران در روند بازسازی عراق و سوریه می‌تواند ابزاری کارآمد در زمینه رونق اقتصادی داخلی، تقویت اتصال منطقه‌ای و ادغام اقتصادی در حوزه همسایگی و در نتیجه افزایش قدرت نرم ایران در این دو کشور باشد. اتصال ریلی و زمینی با عراق، سوریه و لبنان تا مدیترانه مسیری در دسترس برای ادغام اقتصادی محسوب می‌شود (برزگر، ۱۳۹۷: ۱۸۶). بازار عراق و سوریه هم از ظرفیت بالایی برای فروش صادرات غیرنفتی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند. با وجود هشدارهای امریکا به رهبران عراق برای کاهش تجارت با ایران، عراق روابط اقتصادی خود با ایران حفظ کرده است. تهران نیز بغداد را به دیده یک شریک تجاری حیاتی می‌نگرد که از بسترهای لازم برای ارتقای منافع متقابل اقتصادی به‌ویژه در شرایط تحریم‌های امریکا برخوردار است (Husen, 2019: 11-12). براین‌مبنی، در سه‌ماهه نخست سال ۱۳۹۸، ایران روزانه معادل ۲۵ میلیون دلار کالا به عراق صادر کرده که نشان‌دهنده رشد بیش از ۲۰ درصدی صادرات به این کشور نسبت به سال گذشته است (اتاق بازرگانی ایران و عراق، ۱۳۹۸).

ائتلاف‌سازی با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و تقویت جبهه مقابله با نظام سلطه
 قرارگرفتن روسیه در کنار ایران و محور مقاومت در جبهه مقابله با داعش و همراهی چین با ائتلاف یادشده از طریق سازوکارهای موازنه نرم به موازات تقویت جایگاه ایران در توازن منطقه‌ای، به‌نوعی نمایان‌گر ارتقای نفوذ منطقه‌ای ایران می‌باشد. نقش‌سازی روسیه در شکل‌گیری "روند آستانه" و تعیین مناطق کاهش تنش در سوریه و به‌دنبال آن ملاقات سران سه کشور در سه دوره مذاکرات سوچی، آنکارا و تهران بر اهمیت نقش ایران در یک قالب قانونی و مشروع بین‌المللی افزوده است. به‌علاوه نیروهای محلی طرفدار ایران در عراق و سوریه هم به وجود و حمایت ایران برای حفظ جایگاه سیاسی خود در حکومت کشورشان و روابط منطقه‌ای نیاز دارند. نقش ایران در ملغی‌کردن رفتارندوم استقلال کردستان عراق نشان از دسترسی ایران به منابع نفوذ سیاسی - امنیتی محلی در شرایط

بحران دارد (برزگر، ۱۳۹۷: ۱۹۰). به موازات این روند، گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران سبب شد تا دولت ترکیه برای نخستین بار از زمان وقوع انقلاب اسلامی، از بالاترین سطح هیئت نظامی ایران میزبانی کند. در ۱۵ اوت ۲۰۱۷، سرلشکر محمد باقری، رئیس ستادکل نیروهای مسلح ایران به همراه یک هیئت بلندمرتبه از فرماندهان نظامی ایران از جمله سردار محمد پاکپور، فرمانده نیروی زمینی سپاه، برای دیدار با حلوصی آکار رئیس ستاد ارتش ترکیه وارد آنکارا شد. هدف از این سفر، مسائل مربوط به امنیت دو کشور، مقابله با تروریسم و امنیت مرزها، بحران سوریه و برگزاری همه‌پرسی در کردستان عراق بود (بی‌بی‌سی فارسی، اوت ۲۰۱۷).

تقویت هم‌پیمانی ایران با عراق و سوریه در مبارزه با رژیم صهیونیستی نیز منجر به تقویت تفکر ضدصهیونیستی در منطقه شده است. اتحاد سوریه با جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کانون الهام‌بخش جبهه مقاومت علیه نظام سلطه، رژیم صهیونیستی و دولت‌های ضدمردمی و ضدانقلابی منطقه محسوب می‌شود. روابط تهران با دمشق همواره بر منافع راهبردی مشترک، از جمله خنثی کردن قدرت امریکا و رژیم صهیونیستی در غرب آسیا استوار بوده است (گلشنی و سهرابی، ۱۳۹۳: ۹۴ - ۹۳). چنین وضعیتی به‌موجب پیوندهای راهبردی دو کشور در دوران پس از ظهور داعش تقویت شده است و براین‌مبنا، نقش تهدیدات مشترک در منافع متقابل طرفین ارتقا یافته است. بخشی از روند مقابله‌گرایی با نظام سلطه در پرتو ضدیت با رژیم‌های حقوقی و هنجارسازی کشورهای غربی در مدیریت بحران سوریه و عراق و ارائه سازوکار سیاسی و حقوقی بومی از سوی ایران تحقق یافته است. توانایی ارزش‌های سیاسی در ایجاد رژیم‌های حقوقی و قانونی بین‌المللی نشان می‌دهد که کشورها تا چه حد توانسته‌اند مطلوبیت‌های خود را جهانی و تبدیل به قوانین و مقررات جهانشمول نمایند (موسوی، ۱۳۹۳: ۱۶۲ - ۱۶۱). امریکا و هم‌پیمانان غربی آن با توسل به دکتترین (رهنامه) مسئولیت حمایت^۱ و مداخله نظامی در لیبی، ضمن گسترش رژیم حقوقی مداخله‌گری زمینه‌های لازم را برای انحراف حرکت انقلابی ملت لیبی فراهم نمودند، اما کنش فعال ایران و روسیه مانع از پیاده‌سازی سناریوی یادشده در رابطه با تحولات سوریه و عراق گردید. ایران در دوران پس از قدرت‌یابی و قلمروگستری داعش در عراق و سوریه در هماهنگی کامل با دولت‌های قانونی این دو کشور عمل نموده است. جمهوری اسلامی ایران به موازات حمایت از حق تعیین سرنوشت ملت سوریه و عراق و گفتگو میان گروه‌های متعدد معارض و حکومت مرکزی از طریق سازوکارهای مسالمت‌آمیز و روند سیاسی، بر عدم مداخله بازیگران خارجی تأکید داشته است.



1. The Responsibility to Protect (R2P or RtoP)

از آگوست ۲۰۱۱، کشورهای غربی در چارچوب سیاست تغییر رژیم، خواستار کناره‌گیری اسد از قدرت شدند و علیه شخص او و دولت سوریه تحریم‌های متعددی را اعمال کردند. درهمین ارتباط، بازیگران منطقه‌ای چون ترکیه، قطر و عربستان ضمن قطع روابط به سرعت در هماهنگی با کشورهای غربی شروع به حمایت از مخالفان سیاسی و کمک به شورشیان مسلح کردند (فیلیپس، ۱۳۹۷). در نقطه مقابل، جمهوری اسلامی ایران اولین کشوری بود که به درخواست دولت قانونی اسد و با استناد به پیمان‌های دفاعی دوجانبه که برآیندی از گسترش عمق راهبردی و توسعه چتر دیپلماسی دفاعی کشور بود، راهبرد دفاع فعال را در قبال این کشور در پیش گرفت. در عرصه سیاسی نیز به منظور مقابله با نقض حاکمیت عراق و سوریه از سوی بازیگران خارجی، جمهوری اسلامی ایران به درستی راهبرد حفظ حاکمیت و تمامیت ارضی را اتخاذ نمود. روند تحولات عراق و سوریه به ویژه بین‌المللی شدن بحران در این دو کشور هوشمندانه بودن راهبردهای نظامی و سیاسی ایران را به اثبات رساند. در شرایط کنونی، تلاش‌های ایران برای اعاده حاکمیت دولت سوریه بر تمام مرزهای خود و بازگشت امنیت به این کشور معطوف به خواست اکثریت مردم سوریه است. به علاوه بخش‌هایی از گروه‌های معارض نسبت به راهکارهای کنش‌گران غربی، اتحادیه عرب و عربستان ناامید شده‌اند (ناجی و فرجی‌راد، ۱۳۹۴: ۶۲).

این موضع ایران در دوران پس از خروج نظامی روسیه از سوریه نیز ادامه یافته است. بر همین مبنا، رهبری معظم انقلاب در دیدار اخیر خود با بشار اسد در تهران اظهار داشتند: «جمهوری اسلامی ایران همچون گذشته در کنار ملت سوریه خواهد بود، زیرا این کار را کمک به جریان و حرکت مقاومت می‌داند و با اعتقادی از صمیم قلب، به حمایت از مقاومت افتخار می‌کند» (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور سوریه، ۱۳۹۷/۱۲/۶). سفر اخیر بشار اسد به تهران و دیدار با مقامات عالی جمهوری اسلامی، دومین سفر وی به خارج از سوریه از ابتدای بحران در این کشور بود، به وضوح جلوه‌های ثبات دولت اسد به رغم خواست ابرقدرت‌ها را نمایان کرد. وی در سخنان خود در این سفر نشانه‌های اثرگذاری گفتمان ضدسلطه در پیروزی ملت سوریه بر دشمنان را برجسته کرد: «بسیاری از کشورها مقهور امریکا بودند و تصور می‌کردند این امریکاست که سرنوشت و آینده جهان را تعیین می‌کند؛ اما در اثر ایستادگی ملت‌های مقاوم، این تصور غلط در حال فروپاشی است» (ایرنا، ۱۳۹۷).

نتیجه‌گیری

به دنبال آغاز تحولات بیداری اسلامی غرب آسیا و ظهور داعش به عنوان یک بازیگر



ضدسیستمی تهاجمی، تغییراتی در ساخت قدرت و امنیت منطقه‌ای پدیدار شده است. در این پژوهش، با عنایت به گزاره‌های قدرت نرم و عمق راهبردی نرم، مؤلفه‌های افزایش جایگاه نفوذ و قدرت ایران در دوران پس از ظهور داعش مورد بررسی قرار گرفت. شواهد موجود حاکی از آن است که موفقیت و کارآمدی سیاست‌ها و راهبردهای کشورها در پرتو بهره‌مندی از منابع، مؤلفه‌ها و ابزارهای قدرت نرم تحقق می‌یابد. در این حوزه، عواملی چون افزایش توانایی تأثیرگذاری ایران بر فرایند سیاست‌گذاری و جهت‌گیری کشورهای عراق و سوریه و همچنین پذیرش نقش منطقه‌ای ایران از سوی سایر دولت‌ها به ارتقای امنیت نرم (ملی و فراملی) و تحکیم عمق راهبردی کشور کمک نموده است. به‌رغم پیدایش شکاف‌ها و اختلافات متعدد در جبهه رقابای منطقه‌ای ایران، محور مقاومت با اتخاذ راهبرد بهینه به نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری خود تداوم بخشیده است. در مواردی همچون فاصله‌گرفتن حماس از ایران و سوریه به جهت نزدیکی ایدئولوژیک آن با اخوان المسلمین سوریه نیز این پیوند راهبردی ترمیم و بازتولید شده است.

در کنار سیاست‌ها و راهبردهایی که جمهوری اسلامی ایران به‌طور هدفمند و تعریف‌شده در جهت تحقق اهداف منطقه‌ای خود سازماندهی و اجرا نموده و برآیند آنها ارتقای قدرت نرم و عمق نفوذ راهبردی کشور بوده است، می‌توان نشانه‌هایی را مورد ملاحظه قرار داد که تحولات و پویایی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به‌گونه‌ای غیرهدفمند در مسیر تعقیب اهداف منطقه‌ای ایران قرار گرفته است. برآیند این وضعیت، تغییر در ائتلاف‌های منطقه‌ای و در نتیجه، ایجاد فرصت‌های مناسب برای تحرک دیپلماتیک و ارتقای قدرت نرم کشور می‌باشد. به‌عنوان مثال، تحولاتی چون بحران قطر، رفتارندوم کردستان عراق و ماجرای قتل خاشقچی مجموعه‌ای از فرصت‌های راهبردی را در اختیار ایران قرار داده که در شکل‌دهی به معادله قدرت منطقه‌ای و برخورداری جمهوری اسلامی ایران از دست برتر در سطح منطقه نقش مهمی داشته است.

وضعیت کنونی در مؤلفه‌های جایگاه نفوذ و قدرت ایران به‌منزله شرایط مطلوب و عدم‌نیاز به تحرک‌بخشی و پویایی راهبردی در این حوزه نخواهد بود. به‌ویژه که تحولات و روندهای مرتبط با امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی از پویایی خاصی برخوردار بوده و الزامات کنشگری فعال و ارتقای قدرت نرم و عمق راهبردی کشور در چنین وضعیتی مستلزم تنوع‌بخشی به منابع قدرت، تبدیل دستاوردهای نظامی و سیاسی به منافع اقتصادی، تناسب بین جایگاه نفوذ و تحقق اهداف ایران، هماهنگ‌سازی دیپلماسی نظامی و دیپلماسی عمومی و رسمی، بهره‌برداری بهینه از فرصت‌های راهبردی به‌وجودآمده در سطح منطقه و گسترش حوزه نفوذ معنوی ایران با ملاحظه رهنمودهای فرماندهی معظم



کل‌قوا و الزامات موجود در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران است.

منابع

- افاق مشترک بازرگانی ایران و عراق (۱۳۹۸)، صادرات روزانه معادل ۲۵ میلیون دلار کالا به عراق. قابل دسترسی در: <https://ir-iqcc.com/?p=8070>
- اسمعیلی، مرتضی (۱۳۹۶)، الگوی بومی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران؛ مدلی برای قدرت‌سازی بازیگران منطقه‌ای، فصلنامه سیاست، دوره ۴۷، ش ۴: ۸۷۱ - ۸۵۳.
- ایرنا (۱۳۹۶)، نقش کمک ایران به جلوگیری از سقوط اربیل از زبان نماینده کرد عراقی، کد خبر: ۸۲۸۵۹۰۲۶، قابل دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/82859026/> (۱۳۹۷، ۱۲ مرداد).
- ایرنا (۱۳۹۷)، سال ۹۷ و جهش در روابط راهبردی ایران و سوریه، کد خبر: ۸۳۲۴۹۷۴۰، قابل دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/83249740/>
- آبنشناس، عماد (۲۰۱۹)، چرا امارات از یمن خارج می‌شود؟ خبرگزاری اسپوتنیک، قابل دسترسی در: <https://ir.sputniknews.com/opinion/201907295024788-> (دسترسی ۱۴ شهریور، ۱۳۹۷).
- برزگر، کیهان (۱۳۸۷)، ایران، خاورمیانه و امنیت بین‌الملل، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۲، ش ۳: ۶۶۶ - ۶۵۳.
- برزگر، کیهان (۱۳۹۷)، راهبرد سیاست خارجی ایران در توازن قوای منطقه‌ای، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۲۱، ش ۴: ۲۰۵ - ۱۸۳.
- بصیری، انسیه و پانوجی، رافائلو (۲۰۱۶)، درک نقش ایران در بحران سوریه، ترجمه محسن محمودی و جواد عرب، تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
- بوزان، باری و ویور، الی (۱۳۸۸)، مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین‌الملل، ترجمه رحمن قهرمان‌پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیات، محسن؛ طاهری، ابراهیم و ذوالفقاری، مهدی (۱۳۹۷)، تبیین رابطه هویت اسلامی و سیاست امنیتی ایران در عراق و سوریه با روش تحلیل اسنادی، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ۶، ش ۲۴: ۲۴۳ - ۲۱۵.
- بی‌بی‌سی فارسی (اوت ۲۰۱۷)، محمد باقری عالی‌ترین مقام نظامی ایران به ترکیه رفت، قابل دسترسی در: <https://www.bbc.com/persian/iran-40934083> / (۱۳۹۷، ۲۵ بهمن).
- پوراحمدی، حسین (۱۳۸۹)، قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم: بوستان کتاب.
- پورحسین، ناصر (۱۳۹۶)، تکوین عمق راهبردی هوشمند جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه، فصلنامه علوم سیاسی، سال ۲۰، ش ۷۹: ۱۰۲ - ۷۵.

- تابناک (۱۳۹۶)، سردار سلیمانی چگونه اربیل را از چنگ داعش نجات داد؟، کد خبر: ۷۴۹۳۵۹، قابل دسترسی در: <https://www.tabnak.ir/fa/news/749359/> (۱۳۹۷، ۱۰ اسفند).
- جمشیدی، محمدحسین و محمدی، رسول (۱۳۹۳)، جمهوری اسلامی ایران و عراق نوین: تبیینی بر کاربرد قدرت نرم در عراق نوین در راستای تحقق ارزش‌های انقلاب اسلامی، دوفصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۲، ش ۱: ۸۶ - ۶۱.
- جوادی ارجمند، محمدجعفر و طلوعی، هادی (۱۳۹۳)، تأثیر تهاجم نظامی امریکا به عراق بر قدرت هوشمند ایران در این کشور، فصلنامه سیاست، دوره ۴۴، ش ۴: ۷۹۲ - ۷۷۷.
- حاجی‌یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۸)، هلال شیعی: فرصت‌ها و تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران، اعراب و امریکا، فصلنامه دانش سیاسی، سال ۵، ش ۱: ۱۹۲ - ۱۵۹.
- خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۳)، ابراهیم جعفری: هیچ مانعی برای حملات ایران علیه داعش در عراق وجود ندارد، قابل دسترسی در:
- <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1393/09/17/582426/> (۱۳۹۷، ۱۲ مهر).
- خبرگزاری فارس (۱۳۹۴)، «ابراهیم جعفری»: عراقی‌ها کمک‌های ایران را در زمان حمله داعش فراموش نمی‌کنند، قابل دسترسی در:
- <https://www.farsnews.com/news/13940117000338/> (۱۳۹۸، ۱۴ فروردین).
- خبرگزاری فارس (۱۳۹۷)، اسد: قردادان رهبر معظم، دولت و ملت ایران هستیم، قابل دسترسی در: <https://www.farsnews.com/news/13971109000835/> (۱۳۹۷، ۲۶ بهمن).
- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۹۰)، بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران، تهران: نشر سمت.
- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۹۲)، بزرگ‌ترین چالش «عمق راهبردی» ایران، قابل دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=22393> (۱۳۹۷، ۱۵ آذر).
- دهقانی‌فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹)، دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی در منطقه خلیج فارس، فصلنامه سیاست، دوره ۴۰، ش ۴: ۱۲۲ - ۱۰۳.
- رحمانی، منصور و شمس‌آبادی، علی (۱۳۹۸)، بررسی مقایسه‌ای دیپلماسی رسانه‌ای ایران و ترکیه در عراق پساصدام، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۰، ش ۳: ۹۳ - ۷۴.
- ساژین، ولادیمیر (۲۰۱۷)، چشم‌اندازهای بحران قطر و ایران، خبرگزاری اسپوتنیک، قابل دسترسی در: https://ir.sputniknews.com/near_east/201707222701454- (۱۳۹۷، ۲۵ بهمن).
- سانا (۲۰۱۶)، امضای تفاهم‌نامه تبادل دانشجو بین سوریه و ایران، خبرگزاری جمهوری عربی سوریه، قابل دسترسی در: <https://sana.sy/fa/?p=70502> (۱۳۹۸، ۲۵ فروردین).



- ستوده، علی اصغر و کیانی، آذین (۱۳۹۷)، تأثیر منازعات داخلی سوریه و عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هشتم، شماره ۴: ۲۰۹-۱۷۱.
- سوری، روح‌الله (۱۳۹۸)، عراق در سالی که گذشت؛ فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی ایران، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
- سیفی، یوسف (۱۳۹۱)، ژئوکالچر اسلام‌گرایی شیعی در خاورمیانه و تأثیر آن بر بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه آفاق امنیت، سال پنجم، ش ۱۷: ۹۳-۶۳.
- شکوری، ابوالفضل و وزیریان، امیرحسین (۱۳۹۸)، احیای قدرت منطقه‌ای ایران (۲۰۱۷-۲۰۰۵)، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، ش ۳۸: ۳۰-۱.
- شمسی، بهمن (۱۳۹۷)، پروژه خط آهن ایران، عراق، سوریه؛ امکان و پیامدها، اندیشکده راهبردی تبیین.
- صادقی، سیدسعید و عسگرخانی، ابومحمد (۱۳۹۰)، بررسی عملکرد قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق جدید، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۵، ش ۴: ۹۴۹-۹۲۷.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۹۰)، امنیت منطقه‌ای خاورمیانه (رویکردها و الزامات)، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- عطایی، فرهاد؛ قادری‌کنگاور، روح‌الله و ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۹۰)، دیپلماسی عمومی و قدرت نرم؛ ایران و آمریکا در عراق جدید، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، ش ۳: ۲۰۳-۱۸۹.
- عنایتی، علی؛ اطهری، اسدالله و حاجی‌مین، رحمت (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی دیپلماسی عمومی ایران و ترکیه در عراق و سوریه، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال چهارم، شماره ۱۴: ۹۳-۷۳.
- فیلیس، کریستوفر (۱۳۹۶)، چرا بشار اسد سقوط نکرد؟ آتلانتیک، ترجمه دیپلماسی ایرانی، <http://irdiplomacy.ir/fa/news/1978282/>
- گلشنی، علی‌رضا و سهرابی، حمیدرضا (۱۳۹۳)، نقش جمهوری اسلامی ایران در قیف ژئوپلیتیک غرب آسیا، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، ش ۱۸: ۱۱۷-۸۱.
- متقی، ابراهیم و رشاد، افسانه (۱۳۹۰)، نقش قدرت نرم در گسترش بیداری اسلامی خاورمیانه، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال نهم، شماره ۳۳: ۱۳۵-۱۰۱.
- محمدیان، علی و ترابی، قاسم (۱۳۹۴)، بسترها و عوامل مؤثر در شکل‌گیری گروهک تروریستی داعش، فصلنامه سیاست دفاعی، سال ۲۴، ش ۹۳: ۲۶۶-۲۳۱.
- موسوی، سیدصدرالدین (۱۳۹۳)، الگوی تحلیلی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، سال اول، ش ۱: ۱۸۴-۱۷۹.
- ناجی، ناصر و فرجی‌راد، عبدالرضا (۱۳۹۴)، آینده سیاسی سوریه و منافع استراتژیک ایران، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال دوازدهم، ش ۴۵: ۶۶-۵۱.

- نیاکویی، سیدامیر و ستوده، علی اصغر (۱۳۹۴)، تأثیر منازعات داخلی عراق و سوریه بر مجموعه امنیتی خاورمیانه (۲۰۱۱ - ۲۰۱۵)، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال چهارم، ش ۱۵: ۱۷۷ - ۱۵۳.

- نیاکویی، سیدامیر و پیرمحمدی، سعید (۱۳۹۸)، سیاست‌گذاری امنیتی ایران در قبال منازعات خاورمیانه پس از بهار عربی (۲۰۱۱ - ۲۰۱۸)، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۵، ش ۱: ۱۹۴ - ۱۶۷.

وفایی‌فرد، فرهاد (۱۳۹۸)، نقش‌آفرینی اقتصادی عربستان در عراق؛ اهداف و پیامدها، اندیشکده راهبردی تبیین، شناسه خبر: ۳۱۴۸۲.

- Economist (2018), Saudi Arabia's use of soft power in Iraq is making Iran nervous, <https://www.economist.com/middle-east-and-africa/2018/03/08/saudi-arabias-use-of-soft-power-in-iraq-is-making-iran-nervous>.

- Husen Arif, Beston (2019), Iran's Struggle For Strategic Dominance in A Post-ISIS Iraq, *Asian Affairs*, Vol. 50, No. 1.

- Gharedaghi, Ali Asghar (2018), Iran's Strategic Depth in Post-ISIS Syria, *Journal of International Relations and Foreign Policy*, Vol. 6, No. 2.

- Goodarzi, Jubin (2013), Iran: Syria as the first line of defence, in: Julien Barnes-Dacey and Daniel Levy, The Regional Struggle for Syria, *European Council on Foreign Relations* (ECFR).

- Hadian, Nasser (2015), Iran Debates Its Regional Role, *Atlantic Council*.

- Hashem, Ali (2017), Iran's Post-ISIS Regional Strategy, *Turkish Policy Quarterly*, Vol. 16, No. 3.

- Institute for National Security Studies (2019), Strategic Survey for Israel 2018-2019, <https://www.inss.org.il/publication/strategic-survey-israel-2018-2019/>

- Kissinger, Henry (2014), Iran: A Bigger Problem Than ISIS, *HuffPost*, Available at: https://www.huffpost.com/entry/henry-kissinger-iran-isis_n_5777706.

- Mansour, Renad and Jabar, Faleh (2017), *The Popular Mobilization Forces and Iraq's Future*, Washington, D.C., Carnegie Endowment for International Peace.

- Mazis, Loannis and Sarlis, M (2013), A Geopolitical Analysis of the Activation of the Shiite Geopolitical factor within the Syrian Conflict Geosystem, *Regional Science Inquiry Journal*, Vol. V, No. 2.

- Murinson, Alexander (2006), The strategic depth doctrine of Turkish foreign policy, *Middle Eastern Studies*, Vol. 42, No. 6.

- Mustafa, Mohammad Salih (2016), Iran's Role in the Kurdistan Region, *AlJazeera Center for Studies*.

- Nader, Alireza (2015), Iran's Role in Iraq: Room for Cooperation? *RAND Corporation*.



- Nye, Joseph (1990), *Bound to Lead: The Changing Nature of American Power*, New York: Basic Books.
- Nye, Joseph (2004), *Soft Power: The Means to Success in World Politics*, New York: Public Affair.
- Parello-Plesner, Jonas (2018), *Post-ISIS Challenges for Stabilization: Iraq, Syria and the U.S. Approach*, Washington, D.C., Hudson Institute.
- Pollack, Kenneth (2017), Iran in Iraq, *Atlantic Council*.